

سر یک تعریف واحد به توافق برسند و حریم خصوصی از آن دسته مفاهیمی است که به نظر می‌رسد حتی تعریف دایره‌المعارفی روشنی هم ندارد. با این حال حریم خصوصی را اغلب به عنوان یک حق می‌شناسند؛ حقی که دیگران را از دسترسی، خدشه یا تعرض به آنچه متعلق به شخص است منع می‌کند. اما به دلیل روشن نبودن دایره مفهومی حریم خصوصی، گستره این حق هم مبهم یا دست کم مورد اختلاف است.

البته به طور خلاصه می‌توان گفت که حریم به معنای آنچه از پیرامون خانه و عمارت که بدان متعلق باشد... مکانی است که حمایت و دفاع از آن واجب است و خصوصی به معنای شخصی، داخلی، زندگی خصوصی اشخاص. (معین، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۳۵۰ و دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۸۹۰۴ و عمید، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۷۸۸) کلمات حرم، حرمت، احترام، تحریم با حریم هم ریشه‌اند. از لحاظ حقوقی حریم از حرمت به معنی منع است زیرا تعرض دیگران به حق صاحب حریم ممنوع است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۱۶۵۲)

و طبق تعریفی دیگر، حریم خصوصی به معنای مکان و محلی است که اختصاص به فرد داشته و دفاع از آن واجب و تعرض نسبت به آن ممنوع است.

پس حریم خصوصی، یکی از حقوق اساسی بشر و مرتبط با حفظ مقام انسان و دیگر ارزش‌هایی است که کرامت انسانی بشر به ارمغان می‌آورد. بر پایه این حق، یک شخص یا گروه می‌تواند مسائل شخصی زندگی خود را خارج از محدوده دسترسی دیگران نگه داشته و یا مسائل اطلاعاتی مربوط به خود را کنترل کند.

حوزه‌های حریم خصوصی و مصادیق تعرض به آن:

می‌توان حوزه‌های حریم خصوصی را به چهار حوزه مجزا تقسیم کرد:
 ۱ - حریم اطلاعات که شامل تصویب قوانینی است که اطلاعات مشخص نظیر اطلاعات مالی، پزشکی و ... افراد را تحت کنترل قرار می‌دهد این حوزه به حفاظت اطلاعات هم معروف است.

۲- حریم جسمانی که به حفاظت از جسم افراد در مقابل آزمایش‌های ژنتیکی و ... مربوط می‌شود. ۳ - حریم ارتباطات که امنیت پست‌های الکترونیک و تلفن‌ها، پست و سایر اشکال ارتباطات را عهده‌دار است.
۴ - حریم مکانی که به اعمال مجموعه‌ای از محدودیت‌ها و نظارت‌ها در محیط کار و زندگی افراد و اماکن عمومی مربوط می‌شود. (بروجردی، ۱۳۸۲)

برای بیان روند تعرض به حوزه‌های حریم خصوصی می‌توان از مصادیق ده گانه تعرض به این حریم در قطع‌نامه کنگره بین‌المللی حقوق‌دانان در استکهلم، سال ۱۹۶۷ استفاده کرد: ۱- مداخله در زندگی خصوصی و داخلی افراد ۲ - تعرض به تمامیت جسمانی و روانی و ایجاد محدودیت اخلاقی و معنوی ۳ - تعرض به حیثیت و شرافت و شهرت افراد ۴ - تفسیر نابه‌جا از گفته‌ها و اعمال اشخاص ۵ - استفاده از اسم، هویت و عکس افراد برای مقاصد تجاری تبلیغاتی ۶ - افشای امور ناراحت‌کننده مربوط به زندگی خصوصی افراد ۷ - اقدام به جاسوسی و تحت‌نظر قرار دادن افراد ۸ - توقیف و یا بازرسی مکاتبات فرد ۹ - سوءاستفاده از مکاتبات کتبی یا شفاهی ۱۰ - افشای اطلاعات شغلی و حرفه‌ای (ناصر زاده، ۱۳۷۲، ص ۱۰).

سابقه حریم خصوصی

پذیرش حریم خصوصی به عنوان یک حق انسانی ریشه‌ای تاریخی دارد. در انجیل و قوانین یهود، از دیرباز مکتوم ماندن مسائل شخصی از انظار دیگران، به رسمیت شناخته شده است و در چین باستان مصونیت‌هایی در این زمینه وجود داشته است و برخی نویسندگان سابقه این حق را به دوران رم و یونان باستان نسبت می‌دهند و منشأ آن را همان لزوم رعایت حق مالکیت نسبت به اموال مادی می‌دانند.

«در سوگند بقراط که به ۳۰۰ سال قبل از میلاد برمی‌گردد پزشکان سوگند می‌خورند که رابطه آنان با بیماران محرمانه بماند.» (ساماراجیوا، ۱۳۸۰، ص ۲۱)



موضوع حریم خصوصی در قرآن مجید و احادیث نبوی هم مورد توجه و تکریم فراوان قرار گرفته است که در ادامه به بحث در این رابطه نیز خواهیم پرداخت.

در حالی که حریم خصوصی در همه قوانین الهی وجود داشته، قوانین وضعی صدها سال است که به این موضوع توجه نشان داده‌اند.

در سال ۱۳۶۱ میلادی، یک قاضی انگلیسی حکم دستگیری کسانی را صادر کرد که دزدانه به خانه افراد نگاه و یا استراق سمع می‌کردند.

در سال ۱۷۶۵ میلادی، لرد کامدن (Lord Camden) انگلیسی قانونی را وضع کرد که بر اساس آن برای ورود به خانه‌های مردم و مصادره یادداشت‌ها و مکتوبات آنان، داشتن مجوز الزامی شد.

یکی از نمایندگان مجلس انگلیس به نام ویلیام پیت در این زمینه نوشت: «حتی فقیرترین مردم در کلبه محقر خویش می‌تواند از دستورات شاه سرپیچی کند. کلبه این مرد فقیر می‌تواند بسیار محقر باشد، سقف آن بلرزد و چکه کند، باد و طوفان در آن وارد شود، اما شاه انگلستان نمی‌تواند به آن وارد شود و هیچ‌یک از نیروی پادشاه هم جرأت ندارند که از آستانه این کلبه ویرانه، قدم به درون بگذارند.» (Speech on the Excise Bill, 1763)

کشورهای مختلف در طی قرون و اعصار، با وضع قوانین مختلف از حریم خصوصی حمایت کرده‌اند.

در سال ۱۸۵۸، در فرانسه قانونی وضع شد که انتشار مسائل خصوصی را ممنوع کرد و برای حریم‌شکنان مجازات‌هایی در نظر گرفت و در سال ۱۸۸۹، قوانین نروژ، انتشار اطلاعات مربوط به افراد و امور خصوصی آن‌ها را ممنوع اعلام کرد. از سال ۱۸۹۰ هم در قوانین عمومی آمریکا، این حق به رسمیت شناخته شده است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر را که در سال ۱۹۴۸ منتشر شد، می‌توان شاخص مدرن حفظ حریم خصوصی در سطح بین‌المللی دانست که به‌طور خاص از حریم مکانی و ارتباطی حمایت می‌کند. (بروجردی، ۱۳۸۲، (۲۱)) و اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز یکی دیگر از مواردی است که

در موادی از آن به صورت ویژه به مقوله حریم خصوصی پرداخته است. اما همان‌گونه که در ابتدای همین مبحث اشاره کردیم سابقه حمایت از حریم خصوصی در اسلام به آغاز ظهور اسلام بر می‌گردد و با جرأت می‌توان اعلام کرد که قوانین الهی بسیار بیش و پیش از سایر نظام‌های حقوقی به حریم خصوصی افراد بها داده و به آن پرداخته است. در حالی که نظام‌های حقوقی حداکثر از چند سده پیش به این حق توجه کرده‌اند، دین اسلام و آیات الهی، بیش از ۱۴۰۰ سال است که برای حریم خصوصی و در نتیجه برای شأن و منزلت انسانی، ارزش و جایگاه بالا و والایی قائل شده است به‌گونه‌ای که در آیات ۲۷ و ۲۸ سوره نور، حریم خصوصی مکانی به صراحت مورد اشاره قرار گرفته است و در آیه ۱۲ سوره حجرات نیز به عدم تجسس و تفتیش از عقاید دیگران اشاره کرده است.

بررسی آیات و روایات وارده در این باب نشان می‌دهد که علی‌رغم این‌که در متون دینی به کلمه حریم خصوصی به صراحت اشاره نشده است ولی محتوای آیات و روایات حاکی از توجه به حق حریم مکانی، حق آزادی از مورد تجسس واقع شدن، حق مالکیت و حق برخورداری از اصل برائت است.

در مورد حق حریم خصوصی و تفاوت قوانین الهی و قوانین وضعی در اسلام، پروفیسور عماد احمد، دانشمند مسلمان و استاد دانشگاه‌های جان‌هاپکینز و مری‌لند معتقد است:

«در حالی که حریم خصوصی در اسلام یک حق مسلم به شمار می‌رود، در آمریکا و در بسیاری از کشورهای غربی، هنوز یک مقوله بحث‌انگیز است. در اسلام، قوانین از طرف خداوند نازل شده و حق حریم خصوصی یک حق مقدس است که نباید زیر پا گذاشته شود... عده‌ای از مردم به حقوق طبیعی ایمان دارند و حریم خصوصی نیز می‌تواند یکی از حقوق طبیعی باشد؛ ولی افراد زیادی در غرب وجود دارند که اصلاً به حقوق طبیعی باور ندارند و معتقدند که «حقوق» همان‌هایی هستند که جوامع بر سر آن توافق کرده‌اند.

حامیان دموکراسی بر این باورند که «حق»، آن چیزی است که مردم به آن رأی داده‌اند. یعنی آن‌ها فکر می‌کنند که «حقوق» قراردادی است؛ اما طرفداران حق طبیعی بر این باورند که ضرورت طبیعت بشر، داشتن این حقوق است و اگر کسی بخواهد این حقوق طبیعی را از بین ببرد، بشر نمی‌تواند کارکرد درستی داشته باشد.» (www.Islam Online. net)

مبانی حریم خصوصی

خداوند در آیه ۱۹ سوره نور می‌فرماید که اشاعه فحشاء را دوست ندارند و اشاعه‌کنندگان، مجازات خواهند شد. ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...﴾ و در آیات ۲۷ و ۲۸ و ۵۸ و ۵۹ سوره نور نیز می‌فرمایند: وقتی می‌خواهید وارد خانه‌ای شوید درب بزنید و اجازه بگیرید و قبل از اجازه دادن وارد نشوید.

هم‌چنین خداوند در سوره حجرات به روشنی از تجسس نهی کرده و فرموده است: "ولا تجسسوا" (حجرات آیه ۱۲). که مفسران تجسس را جست‌وجو و تتبع برای یافتن لغزش معنا کرده‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۸، ص ۷۳۱)

در کتاب‌های روایی فصلی با عنوان "من طلب عثرات المؤمنین" (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۴۵۳)، "ما جاء في النهي عن التجسس" (بیهقی، ۱۹۳۰، ص ۳۳۳)، "وجوب ستر الذنوب و تحريم التظاهر بها" (حرعاملی، ۱۳۷۶، ص ۳۶) و ... (ر.ک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۹۳) که به گردآوری روایاتی که در مذمت تجسس وارد شده اختصاص داده شده است. در نقلی آمده است:

"شبی خلیفه دوم در کوچه‌های مدینه به گشت‌زنی مشغول بود، از خانه صدای غنا و موسیقی شنید، وارد خانه شد و بدو گفت: ای دشمن خدا، آیا گمان برده‌ای گناهت را خداوند می‌پوشاند؟"

مرد گفت: ای پیشوای مسلمین شتاب مکن، اگر من یک گناه مرتکب شدم تو مرتکب سه گناه شدی: خداوند از جاسوسی نهی کرد و تو

تجسس کردی، خداوند فرمود از در خانه وارد شوید و تو از دیوار آمدی، و خداوند فرمود هرگاه خواستید به خانه‌ای درآیید اذن بگیرید و تو بدون اذن وارد شدی." (متقی هندی ۱۴۰۹ه.ق، ج ۳، ص ۸۰۸)

رسول خدا ﷺ فرمود: "انی لم أؤمر ان انقب عن قلوب الناس ولا اشق بطونهم؛ من مأمور نیستم از نهان و پنهان مردم جست‌وجو کنم." (همان) و نیز امام صادق (ع) فرمودند:

"لا تفتش الناس عن اديانهم فتبقي بلا صديق؛ از مرام و باورهای مردم جست‌وجو مکن، تا تنها و بی‌همراه بمانی." (محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۹۳)

البته تذکر این نکته لازم است که در نصوص دینی در منع از تجسس و پیگیری مواردی به عنوان استثنائات حریم خصوصی به چشم می‌خورد که عبارت است از:

- ۱- پیگیری و مراقبت نسبت به کارگزاران حکومتی برای انجام وظایف و مسئولیت‌ها.
- ۲- نسبت به دشمن و تحرکات نظامی آنان.
- ۳- مراقبت از جاسوسان خارجی داخلی و گروه‌های معاند نظام اسلامی.
- ۴- پیگیری و مراقبت از مشکلات و نیازمندی‌های شهروندان دولت اسلامی در جهت برطرف ساختن مشکلات.
- ۵- تراحم حریم خصوصی با حقوق دیگران؛ مثل: حکم رسول خدا به کندن درخت خرماي "سمره بن جندب" است. او در خانه مردی انصاری نخلی داشت و همیشه سر زده وارد خانه می‌شد. انصاری نزد رسول خدا شکایت آورد. پیامبر مراحل چند را دنبال کردند تا شاید "سمره" از ایداء و تضييع حقوق دیگران دست بردارد ولی قانع نشد و پیامبر فرمان به کندن و قطع درخت او داد. (حرعاملی، ۱۳۷۶، ج ۱۷، ص ۱۴۳ و کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۹۲)



۶- تزام حريم خصوصى با مصالح عمومى. همانند دستور رسول خدا ﷺ به عرضه و فروش اموال محتركان است، كه امام صادق عليه السلام فرموده است: "در زمان پيامبر ﷺ خوراكي ها به پايان رسيد، مسلمانان نزد رسول خدا آمده و عرضه داشتند خوراكي ها تمام شد و تنها فلان شخص، داراي اطعمه است آن گاه رسول خدا فرمان به عرضه و فروش آن داد." (همان، ج ۲۱، ص ۷۱۳)

حريم خصوصى در قوانين موضوعه

متاسفانه با آنكه حريم خصوصى يكي از مهم ترين و شاخص ترين حقوق خصوصى و از نظري حقوق عمومى مردم بوده، قانون گذار ايران تحت اين عنوان حقوق و وظيفى را به رسميت نشناخته و از اين جهت در ترمينولوژى حقوق، موضوعى در اين خصوص وجود ندارد.

اما با نگاه به قانون اساسى و ساير قوانين موضوعه نظير قانون مدنى، قانون آيين دادرسى كيفرى، قانون مجازات اسلامى و... گوشه هايى از حريم خصوصى وجود داشته كه مى توان با استفاده از مفاهيم آن حدود و چارچوب حريم خصوصى را روشن ساخت.

گرچه حريم خصوصى در حقوق خصوصى و حريم خصوصى در حقوق عمومى نيز از يكدیگر تفكيك نشده و گاهى داراي مرزبندى دقيق نبوده و عموماً شناخت دقيقى در اين مرزبندى و حدود وجود ندارد و نظر به اينكه اين مباحث حقوقى صرفاً جهت بيان انجام مى گيرد، لذا احتياج زيادى به اين مرزبندى وجود نداشته و به اختصار به آن پرداخته مى شود.

طبق اصل ۲۲ قانون اساسى حيثيت، جان، مال، حقوق، مسكن و شغل اشخاص از هرگونه تعرض مصون بوده و حكومت و مردم بايد به اين محدوده احترام گذاشته و متعرض كسى نشوند.

در مورد اين اصل گفتنى است كه:

۱- در اين اصل، شغل افراد از تعرض مصون دانسته شده است. در هيچ

يك از كشورهايى كه قوانين اساسى آنها به مسأله حريم خصوصى

پرداخته است، به مسئله شغل افراد اشاره نشده است. اگر شغل را با کار مترادف فرض کنیم، بسیاری از تعدیل‌های نیروی انسانی که در کارخانه‌ها و اداره‌ها صورت می‌گیرد، تعرض به حریم خصوصی آن‌هاست.

۲- کلمه «حقوق» در این اصل، جای تفسیر و تعریف دارد. حق حریم خصوصی را هم می‌توان یکی از حقوق افراد در نظر گرفت.

۳- در این ماده، حیثیت و جان افراد از تعرض مصون شده و به جسم افراد و در واقع، به حریم جسمانی توجه نشده است؛ مگر آنکه «جان» را به مفهوم وسیع آن به معنی جسم و فیزیک بدن در نظر بگیریم.

بنا بر اصل ۲۳ قانون اساسی تفتیش عقیده ممنوع بوده و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض قرار داد.

بزرگ‌ترین اشکال این ماده قانون، مشخص نبودن حدود و ثغور تفتیش است. در کشور ما اگرچه تفتیش عقاید به‌طور رسمی صورت نمی‌گیرد ولی نمونه‌هایی از این کار، به‌خصوص هنگام استخدام افراد و سایر مواقع قابل مشاهده و درک است که البته قانونی بودن و یا نبودن این موارد خود نیازمند بحثی جداگانه است که چون از بحث ما خارج است نیازی به پرداختن به آن نمی‌باشد.

به استناد اصل ۲۵ قانون اساسی بازرسی و نرساندن نامه، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، مخابرات تلگرافی و تلکس و سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق‌سمع و هرگونه تجسس ممنوع می‌باشد. (مصادیق بسیار مهمی از حریم خصوصی در این اصل احصا شده است)

با نظر به این اصل می‌توان به نکات زیر پی‌برد:

۱- در این اصل، آزادی ارتباطات صریحاً مورد توجه قرار گرفته است.
 ۲- به وسایل ارتباطی جدید مثل میل - ایمیل و ارتباطات اینترنتی اشاره‌ای نشده است.

۳- ممنوع بودن هرگونه تجسس، حاکی از توجه قانون‌گذاران به حریم خصوصی افراد است.



بنابر اصل ۳۹ قانون اساسی هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات دانسته شده است.

در چندین اصل دیگر، مانند اصول دوازدهم، سیزدهم، چهاردهم و بیستم نیز حریم خصوصی، تلویحاً مورد توجه قرار گرفته است.

مثلاً اصل دوازدهم با احترام کامل بر مذاهب غیرشعبی صراحتاً بیان می‌کند که پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصی نظیر ازدواج، طلاق، ارث و وصیت و دعاوی مربوط به آن، در دادگاه‌ها رسمیت دارند و بر اساس این اصل، در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طرق آن مذاهب خواهد بود.

براساس اصل چهاردهم، دولت جمهوری اسلامی ایران و مسمانان موظف شده‌اند که نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل کنند و حقوق انسانی آن‌ها را رعایت کنند و از آن‌جا که حق حریم خصوصی از بدیهی‌ترین حقوق انسانی به شمار می‌رود، بنابراین، حق حفظ حریم خصوصی غیرمسلمانان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جایگاه خاصی دارد.

اصول فوق گوشه‌هایی از حقوق عمومی و حقوق خصوصی مردم و محدوده و حریم آن را تعیین کرده و بعضاً متجاوزان به این حقوق را قابل مجازات دانسته، اما قوانین دیگر از جمله قانون مجازات اسلامی در مبحث قصاص، دیات، حدود و تعزیرات اعمال متجاوزان به حقوق خصوصی و عمومی مردم را جرم شناخته و برای آن مجازات تعیین کرده است. مواد ۵۷۰ تا ۵۸۷ و ۵۹۷ تا ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی گوشه‌هایی از اهم موارد فوق است. در قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ماده ۲۴ نیز به این امر تصریح شده است، طرح حریم خصوصی که به عنوان قانون خاص در این مورد می‌باشد نیز اکنون در مجلس شورای اسلامی در حال بررسی می‌باشد.



حریم خصوصی در نظرگاه حضرت امام خمینی (ره)

اسلام که اساس هر نوع تربیت را انسان می‌داند به حرمت ایشان اهمیت فراوان داده و حریم خصوصی افراد را پاس داشته است. در مطالب گذشته بیان شد که در آیات قرآنی و نیز روایات، توصیه‌های فراوانی است که افراد را از ورود به حریم خصوصی هم‌دیگر باز داشته است. از همین رو است که یکی از شاخصه‌های رهبر دینی، اصرار او بر امن بودن حریم خصوصی افراد است. حضرت امام خمینی (ره) که آرمانشان حمایت از مظلوم و مبارزه با ظلم است و توانست در تمامی عرصه‌ها با معیارهای اسلامی حرکت کند، در این وادی نیز با حساسیت مثال‌زدنی وارد شد و حریم خصوصی مردم را پیامبرانه پاسداری کرد و همه مسئولان را به رعایت آن فرمان داد. در این قسمت برآنیم تا نگاه ایشان را در این خصوص بررسی کنیم.

حضرت امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۳۶۱/۹/۲۴، فرمانی هشت‌ماده‌ای خطاب به قوه قضائیه و تمام ارگان‌های اجرایی در مورد اسلامی شدن قوانین و عملکردها صادر کردند و در این فرمان ورود بدون اذن به منازل و محل کار افراد و شنود تلفن و گوش دادن به نوار و ضبط صوت دیگران به نام کشف جرم و تجسس در اسرار دیگران و افشای آن را ممنوع و جرم دانست.

در این فرمان، حضرت امام نشانه‌هایی را هدف قرار دادند که رعایت آن نه تنها برای یک مقطع زمانی و مکانی که برای تمامی زمان‌ها و مکان‌ها، حافظ حیثیت انسان و انسانیت است. که گوشه‌هایی از این فرمان که در رابطه با حریم خصوصی است عیناً بیان کرده و بدان پرداخته می‌شود. (در تعقیب تذکر به لزوم اسلامی نمودن تمام ارگان‌های دولتی به‌ویژه دستگاه‌های قضائی و لزوم جانشین نمودن احکام‌الله در نظام جمهوری اسلامی به‌جای احکام طاغوتی رژیم جبار سابق لازم است تذکراتی به جمیع متصدیان امور داده شود. امید است ان‌شاءالله تعالی با تسریع در عمل، این تذکرات را مورد توجه قرار دهند....

۴- هیچ‌کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیه باید باشد توقیف کند یا احضار نماید هرچند مدت آن کم باشد، توقف یا احضار به عنف جرم است و موجب تعزیر شرعی است.

۵- هیچ‌کس حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیرمنقول و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید مگر به حکم حاکم شرع، آن‌هم پس از بررسی دقیق ثبوت حکم از نظر شرعی.

۶- هیچ‌کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن‌ها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیرانسانی - اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم هرچند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده ولو برای یک نفر فاش کند. تمام این‌ها جرم و گناه است و بعضی از آن‌ها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبائر بسیار بزرگ است و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آن‌ها موجب حد شرعی می‌باشد.

۷- آنچه ذکر شد و ممنوع اعلام شد، در غیر مواردی است که در رابطه با توطئه‌ها و گروهک‌های مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی است که در خانه‌های امن و تیمی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی و ترور شخصیت‌های مجاهد و مردم بی‌گناه کوچک و بازار و برای نقشه‌های خراب‌کاری و افساد فی‌الارض اجتماع می‌کنند و محارب خدا و رسول می‌باشند، که با آنان در هر نقطه که باشند و هم‌چنین در جمیع ارگان‌های دولتی و دستگاه‌های قضائی و دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها و دیگر مراکز با قاطعیت و شدت عمل ولی با احتیاط کامل باید عمل شود، لکن تحت ضوابط شرعیه و موافق دستور دادستان‌ها و دادگاه‌ها، چرا که تعدی از حدود شرعیه حتی نسبت به آنان نیز جایز نیست، چنان‌چه مسامحه و سهل‌انگاری نیز نباید شود و در عین حال مأمورین باید خارج از حدود

مأموریت که آن‌هم منحصر است به محدوده سرکوبی آنان حسب ضوابط مقرر و جهات شرعیه، عملی انجام ندهند. و مؤکداً تذکر داده می‌شود که اگر برای کشف خانه‌های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام جمهوری اسلامی از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آن‌جا با آلت لہو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدره برخورد کردند حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند، چرا که اشاعه فحشا از بزرگ‌ترین گناہان کبیره است و هیچ‌کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید. فقط باید به وظیفه نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است عمل نمایند و حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن را ندارند و تعدی از حدود الهی ظلم است و موجب تعزیر و گاهی تقاص می‌باشد. و اما کسانی که معلوم شود شغل آنان جمع مواد مخدره و پخش بین مردم است، در حکم مفسد فی الارض و مصداق ساعی در ارض برای فساد و هلاک حرث و نسل است و باید علاوه بر ضبط آنچه از این قبیل موجود است آنان را به مقامات قضائی معرفی کنند. و هم‌چنین هیچ‌یک از قضات حق ندارند ابتدائاً حکمی صادر نمایند که به وسیله آن مأموران اجرا اجازه داشته باشند به منازل یا محل‌های کار افراد وارد شوند که نه خانه امن و تیمی است و نه محل توطئه‌های دیگر علیه نظام جمهوری اسلامی، که صادرکننده و اجراکننده چنین حکمی مورد تعقیب قانونی و شرعی است.

باید همه بدانیم که پس از استقرار حاکمیت اسلام و ثبات و قدرت نظام جمهوری اسلامی با تأیید و عنایات خداوند قادر کریم و توجه حضرت خاتم الاوصیا و بقیه‌اللہ علیہم‌السلام و پشتیبانی بی‌نظیر ملت متعهد ارجمند از نظام و حکومت، قابل قبول و تحمل نیست که به اسم انقلاب و انقلابی بودن خدای نخواستہ به کسی ظلم شود و کارهای خلاف مقررات الهی و اخلاق کریم اسلامی از اشخاص بی‌توجه به معنویات صادر شود. باید ملت از این پس که حال استقرار و سازندگی است احساس آرامش و امنیت نمایند و آسوده‌خاطر و مطمئن از همه جهات به کارهای خویش



ادامه دهند و اسلام بزرگ و دولت اسلامی را پشتیبان خود بدانند و قوه قضائیه را در دادخواهی‌ها و اجرای عدل و حدود اسلامی در خدمت خود ببینند و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها را موجب آسایش و امنیت خود و کشور خود بدانند. و این امور بر عهده همگان است و کار بستن آن موجب رضای خداوند و سعادت دنیا و آخرت می‌باشد و تخلف از آن موجب غضب خداوند قهار و عذاب آخرت و تعقیب و جزای دنیوی است).

بازخوانی فرمان هشت‌ماده‌ای حضرت امام خمینی رحمته‌الله و دیگر بیانات ایشان، انسان را به نگاه وی بیشتر از پیش آشنا می‌نماید که همگی همان‌گونه که ذکر گردید ریشه در منابع دینی داشته و لزوم رعایت این فرامین را بر همه افراد و علی‌الخصوص ارگان‌های دولتی و دستگاه قضائی ضروری می‌نمایاند.

فرمان هشت‌ماده‌ای امام خمینی رحمته‌الله، در واقع منشور آزادی‌های انسان در حریم شخصی است. ایشان در این فرمان با تأکید بر این‌که (حال فعلی اشخاص با غمض عین از بعضی لغزش‌هایی که در رژیم سابق داشته‌اند)، فرمود:

- هیچ‌کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی توقیف کند و در مال یا حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید مگر به حکم حاکم شرع.

- هیچ‌کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن‌ها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید و یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد. تمام این‌ها جرم و گناه است و بعضی از آن‌ها چون اشاعه فحشا است، مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آن‌ها موجب حد شرعی می‌باشند.

و البته در ادامه به محدوده این آزادی اشاره کرده و فرمودند: «آنچه ذکر شد و ممنوع اعلام شد، در غیر مواردی است که در رابطه با توطئه‌ها و گروهک‌های مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی است که برای نقشه‌های خراب‌کاری و افساد فی‌الارض اجتماع می‌کنند و محارب خدا و رسول می‌باشند، که با آنان در هر نقطه که باشند با قاطعیت ولی با احتیاط کامل باید عمل شود، و البته مؤکداً تذکر می‌دهند که اگر برای کشف خانه‌های تیمی و مراکز افساد از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آنجا با آلات لهو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات برخورد کردند حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند، چرا که اشاعه فحشا از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است و هیچ‌کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان نماید، که صدالبته در این بحث خود گویاست که صرف داشتن عقیده و مرامی خاص جواز تجسس در حریم فرد نخواهد بود بلکه آن‌گاه که معلوم شود فرد یا گروهی قصد براندازی و توطئه دارند ورود به حریم خصوصی آن‌ها جایز شمرده شده است. لذا رهبر انقلاب در ادامه همین فراز می‌فرماید: «هیچ‌یک از قضات حق ندارند ابتدائاً حکمی صادر نمایند که به وسیله آن مأموران اجرا اجازه داشته باشند به منازل یا محل‌های کار افراد وارد شوند که نه خانه امن و تیمی است و نه محل توطئه‌های دیگر علیه نظام جمهوری اسلامی، که صادرکننده و اجراکننده چنین حکمی مورد تعقیب قانونی و شرعی است.»

از طرفی در برخورد با همین افراد گروهک که در سال‌های اول انقلاب دست به خشونت زده و به ترور شخصیت‌های مجاهد و مردم بی‌گناه در کوچه و بازار پرداخته‌اند نیز توصیه می‌نماید ضمن برخورد قاطعانه و محکم احتیاط کامل نمایند و تحت ضوابط شرعی و موافق دستور دادستان‌ها و دادگاه‌ها عمل نمایند تا خدائی ناکرده از حدود شرعی تعدی و حقی ضایع نشود. لذا می‌بینیم در این برخورد رافت اسلامی مدنظر بوده و اجازه نمی‌دهند به نام کشف جرم نسبت به فردی اهانت و اعمال غیرانسانی مرتکب شوند. به دیگر سخن متهم و مجرم نیز دارای حقوقی



است که می‌بایست رعایت شود و نمی‌توان به بهانه مجرم‌بودن فردی حقوق انسانی و اجتماعی او را نادیده گرفت. در این فرمان تعدی به حقوق ملت و حریم خصوصی جرم عنوان شده و جهت برخورد با افراد متخلف هیأتی متشکل از رئیس دیوان عالی کشور و نخست‌وزیر تعیین و تأکید نمودند تا در سراسر کشور، در مراکز استانداری‌ها و فرمانداری‌ها و بخشداری‌ها هیأت‌هایی را که مورد اعتماد می‌باشند انتخاب و به ملت ابلاغ نمایند که شکایات خود را در مورد تجاوز و تعدی مامورین اجرا، چه نسبت به حقوق و اموال آنان سر می‌زند به این هیأت ارجاع نمایند.

حق آبروی افراد، مصداق دیگری از حق شهروندی است حکومت باید آبروی افراد را نگه دارد، آیا ما وظیفه داریم که آنچه را از افراد گناهکار دیده یا شنیده‌ایم افشا کنیم یا باید حیثیت و آبروی آن‌ها را نگه داریم؟ مردم توقع دارند رازشان فاش نشود؛ وقتی به‌طور عموم پلیس به درب منزلشان میرود احساس نگرانی میکنند حال اگر این احساس همراه با آبروریزی باشد چه پیش خواهد آمد؟ پوشاندن گناه در فقه از وظایف ماست؛ آبروریزی حتی اگر برای کشف گناه باشد گناه است. همین اصول است که برای دستگاه قضائی و پلیس اعتبار می‌آورد.

امام خمینی علیه السلام در بحث ولایت فقیه نیز بین مسائل اجتماعی و حریم شخصی افراد تمایز قائل می‌شود و زندگی خصوصی افراد را مشمول گستره ولایت فقیه نمی‌داند و در همین رابطه در بیانی می‌فرماید:

«در جنبه‌های مربوط به حکومت تمامی آنچه در اختیار رسول صلی الله علیه و آله و امامان پس از او بوده، در اختیار فقیه عادل است ولی اگر برای پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام ولایتی نه از جهت حکومت ثابت بشود، این ولایت برای فقیه، ثابت نیست. پس اگر معتقد شویم که معصوم ولایت بر طلاق همسر مرد یا فروش مال او یا گرفتن آن را دارد حتی اگر مصلحت عمومی هم چنین اقتضا نکرده باشد این ولایت برای فقیه ثابت نیست.»

متن فرمان امام خمینی علیه السلام در ارتباط با گزینش‌ها بسیار خواندنی و شایان توجه است. ایشان فرمان مشابه دیگری نیز موسوم به فرمان چهارده ماده‌ای در ارتباط با دادستانی‌ها در تاریخ ۱۳۵۷/۱۲/۹ صادر کردند (ر.ک:

خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۲۶۲) که در هر دوی این فرامین و در خطاب‌ها و عتاب‌های دیگری که ایشان در همین زمینه‌ها داشتند به وضوح میتوان تأکید بر حقوق شهروندان و ممنوعیت تعرض مأموران نظام به حریم خصوصی زندگی آن‌ها، تجسس‌های بی‌مورد و نقض حقوق انسانی مردم را مشاهده کرد.

پس بر اساس اندیشه حضرت امام (ره) مردم در حریم خصوصی خود حتی در رعایت موازین دینی و شرعی، مختارند و مجبور نیستند. قطعاً حفظ حرمت افراد و عدم تجسس و مداخله در حریم خصوصی مردم لازم است و ما هیچ‌گاه و هیچ‌وقت، کاری نداریم که مردم در خفا چه کاری می‌کنند.

آن بخشی که ما موظفیم این است که اگر کسی در ظاهر جامعه جرم مشهودی و خلافی کرد با آن برخورد می‌کنیم.

اما در عین حال اگر در خفا جرم سازمان یافته‌ای برای افساد در جامعه بود، قطعاً حسابش فرق می‌کند و با جرایم سازمان یافته برخورد می‌کند. هم‌چنین حضرت امام (ره) فرمانی در امر گزینش به تاریخ ۱۵ دی‌ماه ۱۳۶۱ خطاب به ستاد پیگیری تخلفات قضائی و اداری در ۶ ماده صادر کرده‌اند، که ماده ۵ آن به این شرح است:

۵- تجسس از احوال اشخاص در غیرمفسدین و گروه‌های خرابکار مطلقاً ممنوع است و سؤال از افراد به این‌که چند معصیت نمودی چنانچه بنا به بعضی گزارشات این نحوه سئوالات می‌شود مخالف اسلام و تجسس‌کننده معصیت‌کار است. باید در گزینش افراد این نحوه امور خلاف اخلاق اسلام و خلاف شرع مطهر ممنوع شود.

براساس ملاحظات فوق دیدگاه امام خمینی (ره) درباره حریم خصوصی را در دو محور می‌توان تنظیم کرد.

به عبارت دیگر امام به عنوان یک شخصیت مکتبی و انقلابی، مدافع هر حریم و پاسدار هر امنیتی نیست بلکه در مواجهه با آن، اولین سؤال، کشف مشروعیت یا عدم مشروعیت آن است و براساس پاسخ دریافتی موضع بعدی اتخاذ می‌گردد. جلوه انقلابی و به اصطلاح رادیکال شخصیت



حضرت امام در مواجهه با همین سؤال ظاهر می‌شود. امام علیه السلام آن‌گاه که در نظاره به حریم، آنرا نظمی مدافع منافع مفسدان و پایمال‌کننده حقوق مستضعفین می‌یابد، حکم به عدم مشروعیت آن داده و رسالت مقابله با آن را در خود می‌یابد. همین نگاه است که وقتی آنرا نامشروع یافت، خود را موظف به تأمین امنیت آن نمی‌یابد.

به عبارت دیگر در این عرصه نیز اصل "هدف وسیله را توجیه نمی‌کند" صادق است. یعنی امام علیه السلام علی‌رغم اتخاذ هدف مقابله و مبارزه با تعرض به حریم دیگران، اتخاذ وسیله قانون‌شکنی را جایز نمی‌داند.

در همین زمینه است که حضرت امام از ایجاد سرپوش‌های ظاهراً قانونی برای نقض حقوق مردم جلوگیری فرموده، به منظور جلوگیری از ورود و تجسس‌های افراطی، صدور مجوز قضائی و احکام کلی و ابتدائی برای ورود به اماکن و منازل افراد را منع می‌فرمایند (همان، ج ۱۷ ص ۱۰۶)

حضرت امام علیه السلام تحت تأثیر نظام فقهی و اخلاقی اسلام، مواضعی دارند که به زبان علوم اجتماعی امروز، می‌کوشد تا مجرم و متخلف را در سطح انحرافات نخستین نگاه دارد و به این ترتیب مانع از اشاعه جرم و زایل شدن قباحات اعمال خلاف در جامعه می‌گردد. همچنان‌که قبلاً اشاره شد، امام علیه السلام موکداً از عوامل و متصدیان دستگاه انتظامی و قضائی می‌خواهد تا اولاً از طریق تجسس‌های افراطی، تخلف‌های پنهان افراد خاطی را تا آن‌جا که به امنیت کلی جامعه آسیب نمی‌زند، ردیابی نکنند. ثانیاً امام از این عوامل و همه مردم می‌خواهد، به فرض کشف جرم یا مواجهه با مواردی از فساد اخلاقی، از افشای عمومی آن خودداری نمایند و صرفاً از طریق مراجع ذی‌ربط و با رعایت حرمت افراد اقدام نمایند. (همان)

به‌طورکلی بسیاری از احکام قضائی و اخلاقی اسلام که شرایط اثبات جرم را بسیار مشکل نموده و مفرهای متعددی برای فرد منحرف قائل شده و حتی مجازات‌های وضع شده برای کسانی که نتوانند اتهامات طرح کرده



برای افراد را اثبات نمایند (حکم قذف)، در راستای همین موضع برای ابقای انحراف در سطوح اولیه آن قابل تحلیل است.

با وجود این، حضرت امام و احکام قضائی اسلام، پس از اعمال همه راه‌کارهایی که برای ابقای انحراف در مرحله نخستین آن به عمل می‌آورد، در مواجهه با منحرفین و تبه‌کارانی که از این سطح فراتر رفته بخواهند امنیت و نظم اجتماعی و فرهنگی جامعه را مختل کنند برخوردی اصولی و قاطعانه دارد. از همین موضع است که امام جانبداری‌های ساده‌لوحانه بعضی افراد از جنایت‌کاران رژیم پیشین و تلاش برای تضعیف روند اقدامات دادگاه‌های انقلاب را نفی نموده در مقاطعی ویژه از اعمال مجازات سنگین علیه عناصر و جریان‌هایی که به محاربه و مبارزه مسلحانه علیه نظام مبارزت ورزیدند، تردید به خود راه نمی‌دهد.

این معنی با قاعده «اصاله‌الصحه» که در فقه جایگاه ویژه‌ای دارد نیز سازگار و منطبق است. همین معنی در ماده ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز بدان تصریح شده است. (گلن جانسون، ۱۳۷۸، ص ۹۱)

این معنی در ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری نیز آمده است: تفتیش منازل، اماکن عمومی و اشیاء و جلب اشخاص در جرائم غیرمشهود باید با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد، هرچند اجرای تحقیقات به طور کلی از طرف مقام‌های قضایی به ضابط ارجاع شده است.

یکی از مهم‌ترین موارد در حریم خصوصی، آزادی سیاسی و بیان و احیاناً نشر آن است. چرا که آزادی‌های ماقبل بیان، مانند آزادی تفکر و اندیشیدن، در برخی از موارد غیراختیاری است و از سوی دیگر امکان اطلاع یافتن و جلوگیری کردن از آن هم وجود ندارد، مادام که به صورت بیان یا نوشتار در جامعه پخش نگردد.

در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، (اظهار عقیده و آزادی بیان) برای کلیه افراد، گروه‌ها و احزاب سیاسی مجاز است و این تجویز اختصاصی به طرفداران نظام اسلامی ندارد. در سخنی از ایشان، در جمهوری اسلامی، اقلیت‌های مذهبی و حتی کمونیست‌ها نیز در بیان عقاید خود آزادند. آنچه

که حدود و ثغور چنین نمادی از آزادی را معین می کند همان (به خطر نیفتادن مصالح ملت) است. امام در پاسخ به این سؤال که: در مورد آزادی بیان و عقیده، شما چه حدودی را در نظر دارید، آیا فکر می کنید باید محدودیت‌هایی قائل شد یا نه فرمود:

(اگر چنانچه مضرّ به حال ملت نباشد، بیان همه چیز آزاد است، چیزهایی آزاد نیست که مضرّ به حال ملت ما باشد.) (خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۵۸)

و در جایی در پاسخ به این پرسش که آیا فکر می کنید که گروه‌های چپ و مارکسیست آزادی فعالیت خواهند داشت؟ افزود: «اگر مضرّ به حال ملت باشد، جلوگیری می‌شود، اگر نباشد و فقط اظهار عقیده باشد مانعی ندارد همه مردم آزادند مگر حزبی که مخالف با مصلحت مملکت باشد.» (همان)

نتیجه:

فرمان هشت ماده‌ای رهبر انقلاب به جهت ضرورت رعایت حقوق ملت توسط زمامداران بوده است. در نگرشی اجمالی به فرمان هشت ماده‌ای بنیان‌گذار انقلاب حضرت امام خمینی رحمته الله علیه و دیگر موارد مشابه آن، می‌بینم که حقوق شهروندی مدنظر قرار گرفته شده و حریم خصوصی شهروندان در جمهوری اسلامی مصون از تعرض است و هیچ‌کس اعم از شهروندان و دولت‌مردان حق ورود به حریم خصوصی افراد را ندارند و فقط صرفاً در زمانی که حریم خصوصی با مصالح عمومی و حقوق دیگران در تزاخم باشد به موجب قانون می‌توان به این حریم امن وارد شد. امید آنکه همه دولت‌مردان همواره با رفتارهای قانون‌مدارانه خود حقوق ملت را حفظ و تمامی افراد جامعه، حریم خصوصی هم‌دیگر را رعایت نموده و گام‌های موثری در ساختن جامعه‌ای قانون‌مدار برداریم.



منابع:

القرآن الکریم

نهج البلاغه

۱. انصاری، باقر، (۱۳۸۶)، حقوق حریم خصوصی، چاپ اول، تهران، سمت.
۲. بروجردی، مه دخت، (۱۳۸۲)، «حریم خصوصی در جامعه اطلاعاتی»، سایت ایران و جامعه اطلاعاتی ۱۳۸۲/۱۲/۹ و قابل دسترسی در www.bashgah.net/pages/6180.html - تاریخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۹ و روزنامه حمایت، سال ۲، شماره ۸۱۰.
۳. بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، (۱۹۳۰ م)، سنن البیهقی، چاپ اول، بیروت، دارالفکر.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۶)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چاپ سوم، تهران، گنج دانش.
۵. حرعاملی، شیخ محمد بن الحسن، (۱۳۷۶)، وسائل الشیعه، چاپ ششم، تهران، المكتبة الاسلامیه.
۶. حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۳ ق)، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، چاپ سوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۷. خمینی، روح الله موسوی، (۱۳۶۵)، تحریر الوسیله، چاپ پنجم، تهران، مکتبه الاعتماد.
۸. خمینی، روح الله موسوی، (۱۳۷۸)، صحیفه نور، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی.
۹. دوشوری طرح حمایت از حریم خصوصی، اداره کل قوانین مجلس شورا، مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۵/۴/۸، شماره ثبت ۵۶۰.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، فرهنگ دهخدا، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران.
۱۱. ساماراجیوا، روهان، (۱۳۸۰)، «تفاوت طبقاتی در حریم شخصی»، مجله پیام یونسکو، شماره ۳۸۰، شهریور ۱۳۸۰.
۱۲. طبرسی، شیخ ابوعلی فضل بن الحسن، (۱۳۷۸)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دهم، تهران، انتشارات فراهانی.
۱۳. عمید، حسن، (۱۳۶۳)، فرهنگ عمید، چاپ پنجم، تهران، انتشارات امیرکبیر.



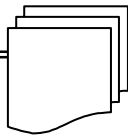
۱۴. قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری.
۱۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۱۶. قانون مجازات اسلامی.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷) ق، *اصول الکافی*، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. گلن جانسون، (۱۳۷۸)، *اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن*، ترجمه محمدجعفر پناهنده، چاپ سوم، تهران، نشر نی.
۱۹. متقی هندی، (۱۴۰۹ق)، *کنز العمال*، چاپ سوم، بیروت، مؤسسه الرساله.
۲۰. محقق داماد، مصطفی، (۱۳۸۳)، *قواعد فقه*، چاپ سوم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۱. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۶۲)، *میزان الحکمه*، چاپ دوم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۲. معین، محمد، (۱۳۶۰)، *فرهنگ معین*، چاپ چهارم، تهران، سپهر.
۲۳. مهریزی، مهدی، (۱۳۷۸)، *دولت دینی و حریم خصوصی*، مجله حکومت اسلامی. سال ۴. ش ۲. صص ۶۹ - ۴۵ و قابل دسترسی در [www. islamic bank.com](http://www.islamic-bank.com)
۲۴. ناصرزاده، هوشنگ، (۱۳۷۲)، *اعلامیه‌های حقوق بشر*، چاپ اول، تهران، جهاد دانشگاهی.
۲۵. نوبهار، رحیم، (۱۳۸۷)، *حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی*، چاپ اول، تهران، جنگل.





امکان سنجی هم‌گرایی ترمیمی مجازات نظارت الکترونیکی با آموزه‌های سیاست جنایی اسلام

مهدی خاقانی^۱



چکیده: کنکاش برای یافتن جایگزین‌های مناسب حبس، از گفتمان‌های غالب سیاست‌گذاران جنایی کشورهاست، که هژمونی دو رویکرد بالینی و اجتماع محور به مجازات، این گفتمان را در کانون توجه فزاینده قرار داده است. مجازات «نظارت الکترونیک» شایع‌ترین کیفر اجتماع محور است که با کاهش تورم جمعیت کیفری زندان‌ها و هزینه‌های مجازات، گفته می‌شود با اصول کیفررسانی عادلانه و منصفانه هم‌سو است. این کیفر - یا به تعبیر بهتر، کیفرگونه - نقطه عطف حقوق کیفری به فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات از جهت ابعاد حقوق بشری است.

علی‌رغم مزایایی چند، نظارت مجازی از گذر نصب دستبند الکترونیکی یا کاشت ریزتراشه (مجهز به سامانه GPS) نگرانی‌هایی در مورد نقض حقوق محکومان و در افق وسیع‌تر، کاهش نرخ دسترسی به عدالت کیفری با معیار اسناد الزام‌آور بین‌المللی و آموزه‌های سیاست جنایی اسلامی به همراه دارد. درک انتقادی چالش‌های فراروی این بدیل حبس، افت‌وخیز و واهمه در خصوص هم‌گرایی دو دانش حقوق کیفری و فن‌آوری اطلاعات را هویدا خواهد ساخت تا از رهگذر این مفاهمه، هم‌سویی این دو در قلمرو پارادایم کل‌نگر سیاست جنایی اسلام تسریع گردد.

واژگان کلیدی: عدالت ترمیمی، نظارت کیفری الکترونیکی، فن‌آوری اطلاعات، سیاست جنایی اسلام

۱. دانشجوی دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم

مقدمه

عدالت ترمیمی، ساختاری فلسفی است که نوع دیگری از اندیشه و تفکر نسبت به بزه و عدالت کیفری را عرضه می‌کند. عدالت ترمیمی، روش جدید اندیشیدن هم درباره جرم و هم درباره چگونگی پاسخ به آن - واکنش جزایی - است. پارادایم عدالت ترمیمی، به عنوان یک ساختار فلسفی ناظر بر واکنش جزایی به بزه و انحراف، و نه با تعریفی مضیق به مثابه یک شیوه دادرسی آشتی‌گرا یا نوعی نشست میانجی‌گرانه، ادعا می‌کند که یک تئوری جرم‌شناختی است. شکی نیست که اگرچه آوردگاه آن، دانش جرم‌شناسی است، ولی به حقوق کیفری بسیاری از کشورها راه یافته است و آن‌چنان سریع در حال فراگیری است که رفته‌رفته مرزهای حقوق کیفری کشورها را درمی‌نوردد و به پهنه قلمرو سیاست جنایی وارد می‌شود و آن را نیز با خود به سمت جهانی شدن پیش می‌برد؛ (غلامی، ۱۳۸۵، ص ۹) رویکردی که توجه سیاست‌گذاران جنایی کشورها را به خود جلب کرده است. عدالت ترمیمی فرآیندی است که در آن کلیه کسانی که در خصوص یک جرم، سهم خاصی دارند گرد هم می‌آیند تا به‌طور جمعی درباره چگونگی برخورد با آثار و نتایج بزه و مشکلات ناشی از آن برای آینده تصمیمی گرفته، راه‌حلی بیابند.

عدالت ترمیمی دارای چهار هدف عمده اصالت روابط شخصی، جبران، بازپذیری و مشارکت است. این تفکر که جرم، اصولاً و بدواً تعدی به روابط میان فردی است، نه صرفاً مناسبات میان فرد و حکومت، نقطه آغاز عدالت ترمیمی است. این الگو تأکید می‌کند که بزه نباید به عنوان مفهومی انتزاعی درک و استنباط شود. وصف شخصی بودن در عدالت ترمیمی، در مقابل خصیصه فقدان تشخیص و عدم توجه یا دست‌کم، کم‌رنگی اهتمام به روابط شخصی در عدالت کیفری مبتنی بر سزادهی است.

چهار انجمن علمی بزرگ (انجمن بین‌المللی حقوق کیفری، جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی، جامعه بین‌المللی دفاع اجتماعی و سیاست جنایی انسان‌گرا و بنیاد بین‌المللی کیفری و زندان‌ها) که مشاور سازمان ملل متحد در مسائل سیاست جنایی به شمار می‌روند، طی همایشی که در آستانه دهمین کنگره بین‌المللی پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان در سپتامبر ۱۹۹۹ در ایتالیا تشکیل شد، در مقام تعریف عدالت ترمیمی از طریق فهم